ZENDEGI-SALAM
ضمیمه روزنامه خراسان
•دوشنبه•۲ مهر ۱۳۹۷•شماره ۱۱۴۴

دنیا به روایت تصویر

آسوشیتد پرس| مزرعه گل های آفتابگردان، ایالات متحده

گتی ایمیج| لذت موتورسواری در سیلاب، چین!

فرانس پرس| رونمایی از بزرگ ترین ناقوس جهان با ۵۵ تن وزن، لهستان

تا حالا دقت کردین

متن و تصویرسازی: صابری، مرادی

باخانمان

درباره مادرم

مهدیسا صفری‌خواه|طنزپرداز

مادرم می‌توانست با اختلاف زیادی تهیه کننده یک برنامه سرگرمی در تلویزیون باشد. او رزومه خوبی داشت. همه سال‌های تولدمان بیشتر از ما حواسش به این بود که به بچه‌های مردم خوش بگذرد. شما وقتی به این تولد دعوت می‌شدید، قطعاً از آن برنده بیرون می‌رفتید. بالاخره در یک حوزه‌ای استعدادتان را نشان می‌دادید و از مادرم سیمرغ می‌گرفتید. فرقی نمی‌کرد یا در مسابقات ماست‌خوری، سیب‌خوری، صندلی‌بازی یا پانتومیم باشد. ژن فرهنگی- معلمی‌اش همیشه به کارش می‌آمد، نمی‌گذاشت من که تولدم است، تقلب کنم. عین پلنگ جویبار بالای سرمان می‌ایستاد و همه حواسش به این بود که کاری نکند بچه‌ای در آن روز مهمانی بگوید: «جایزه‌هارو که دادی به بچه‌های خودت.» یک جوری سوت می‌زد که انگار الگویش در داوری آقا کولینا بود، همان‌قدر مصمم. اگر همان روحیه را حفظ می‌کرد یا عمرش به دنیا بود، می‌توانستیم از ایده‌هایش برای سرگرمی، یک صفحه اینستاگرام درست کنیم و تبلیغ بگیریم و لازم نبود همه روزهای ماه منتظر واریز حقوق بازنشستگی‌اش یا پیدا شدن کلید صندوق فرهنگیان باشد، اما حیف که نشد.

بزرگوار به مسابقات فرهنگی و اطلاعات عمومی هم علاقه داشت. یک دایره‌المعارف سه جلدی را هر روز دوره می‌کرد، اگر عمرش به دنیا بود می‌توانست برنده بزرگ مسابقه «برنده باش» تلویزیون باشد. تا این اواخر همچنان در مسابقات پیامکی اپراتورها شرکت می‌کرد و می‌باخت ولی روحیه بالایی در پذیرش شکست داشت. همین که وسط آژیر قرمز جنگ می‌توانست حواس‌مان را پرت کند، از نظر من یک برنده بود. همین که بچه‌های مدرسه را اندازه ما دوست داشت، یعنی سه هیچ از زندگی جلو بود و هتریک کرده بود. اصلاً شاید باید خدا را شکر کنیم که اینستاگرام را ندید، وگرنه هر روز باید کلی انرژی برای ترکیبی‌ها و خزه‌ها و وزه‌ها می‌گذاشت تا شاید کمی از ابتذال‌شان کم کنند. شاید هم جریمه‌شان می‌کرد تا روزی سه وعده، دو صفحه‌ای کتاب بخوانند، بعد دیگر اینستاگرام کاملاً تخت و یکنواخت و خسته‌کننده و بدون حاشیه می‌شد. خدا بیامرزدش.

دیدنی‌ها

آرامش بر فراز قله

دیلی میل- «ماکسیم»، راهب ۶۴ ساله گرجستانی، ۲۵ سال است که بر فراز یک ستون سنگی به نام کاتسخی در غرب گرجستان به تنهایی زندگی می کند. این راهب برای بالا رفتن و پایین آمدن از این مکان، از نردبان مخصوص ۴۰ متری استفاده می کند و برای هر بالا و پایین رفتنی به بیست دقیقه زمان نیاز دارد. طرفداران او برخی نیازهایش را با استفاده از طنابی به بالا می فرستند. به عقیده او: «با سکوت و آرامش این مکان، حضور خدا بهتر احساس می شود.» تنها بازدیدکنندگان این محل، گروهی از راهبان و مردان جوانی هستند که در جست وجوی آرامش تا پای ستون سنگی می آیند.

یک عکاس به نام «آموس چاپل» موفق شد تا مجوز ورود به این محل را از ماکسیم بگیرد و به بالای ستون برود و عکس هایی از سبک زندگی او بگیرد. او به عکاس گفت در جوانی خلافکار بوده و چند سالی را در زندان گذرانده است ولی بعد از آزادی تصمیم می گیرد تغییر کند و این محل را برای زندگی دایمی انتخاب می کند. گفته می شود این بنا، حدوداً بین قرن ششم و هشتم میلادی ساخته شده است و از نحوه ساخت این بنا و چگونگی حمل مصالح به بالای ستون و این که پیش از این راهبان چگونه به آن جا می رسیدند، هیچ اطلاعاتی در دست نیست.

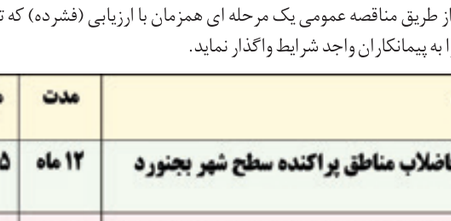

تا هند

- از فصلی که ساعت ۵ بعد از ظهرش هوا تاریک میشه خوش تون میاد؟ خب برید تو انباری تاریک خونه تون خودتون رو حبس کنید و لذت ببرید!
- اونی که پولداره و ۴۴ میلیون پول گوشی آیفون می‌ده جون خودش رو نجات داده، می‌تونست پراید بخره و تصادف کنه!
- گوشت جوری گرونه که باید سر سفره تصور کنیش. خودم بعد از آبدوغ خیار خلال دندون برمی دارم مثلا گوشت گیر کرده. بابابزرگم هم بستریه، زیادرفته تو نقش، مثلا نقرس گرفته!
- توصیه‌ام به مناسبت اول مهر اینه که اگر رشته تحصیلی تون رو دوست ندارید همین الان ولش کنید، حتی فردا صبح هم دیره!
- یک جوری میگن پاییز اومده پی نامردی، انگار تابستون اومده بود پی جوونمردی و مرام و معرفت!
- این فصل که مسی ریشش روزده کاش رضا پرستش هم استراحت کنه. بالاخره مصدومیت هم جزئی از ورزش حرفه‌ایه!
- کاش به جای مسواک زدن، دهنمون رو باز می کردیم گنجشک ها می اومدن تمیز می کردنش!
- قیمت کوله‌ها یک جوریه که امسال باید با کیسه پلاستیکی برم دانشگاه!
- تنها کاربرد مفید جزوه‌هام موقع اسباب کشی بود که تمام وسایلم رو باهاشون بسته بندی کردم!
- اون قدر گفتید آدم های اضافی زندگی تون رو حذف کنید که بیا هیشکی نمونده دور و برم!

دور دنیا

ترفند وحشتناک مرد انگلیسی

آدیتی سنترال- مرد ۴۶ ساله انگلیسی برای این که با همسر باردارش به بیمارستان برای زایمان نرود و با دوستانش خوشگذرانی کند، دست به اقدام عجیبی زد. او با همسر پا به ماهش تماس گرفت و با صدایی وحشت زده از او تقاضای پول کرد و گفت که توسط چند آدم روانی دزدیده شده است. او به همسرش گفت اگر به آدم رباها پول ندهد آن ها پایش را قطع می کنند. زن بخت برگشته هم هرچه پول در حساب بانکی اش داشت به آن ها پرداخت کرد ولی آن ها شوهرش را دو هفته بعد از زایمانش آزاد کردند. با بررسی های پلیس مشخص شد که داستان آدم ربایی ساختگی بوده و مرد در تمام این مدت در حال خوشگذرانی با دوستانش بوده است. این مرد به ۱۶ هفته زندان محکوم شد.

مردی که برای همیشه دلقک است

آدیتی سنترال- «ریچی» مرد جوان آرایشگر آمریکایی از وقتی یادش است عاشق این بود که دلقک شود. او سال هاست در کنار کارهای دیگرش دلقک هم هست ولی آن قدر عاشق این کار است که تصمیم گرفت با خال کوبی و جراحی پلاستیک تا آخر عمر شبیه دلقک ها باشد. دهان، بینی و ابروهای قرمز بزرگ او در واقع پروتز است و رنگ چهره اش هم تاتو است. او می گوید عاشق چهره جدیدش است.

از شما

بابا و گریه دخترک

فاطمه دختر سه ساله و شیرین زبان حاج طاهر بود. یک روز زهرا خانم، همسر حاجی دخترش را به پدر سپرد تا برود بازار خرید. حاجی گفت: «تو برو، من مواظب تنها گل زندگی مون هستم.» حاج طاهر مانند همیشه روی تختش بود و حواسش به دخترش که با اسباب بازی هایش مشغول بازی بود. فاطمه رفت از داخل صندوق قدیمی که یادگار مادر خدابیامرز حاج طاهر بود، عروسکش را بردارد اما یک باره در صندوق بسته شد و انگشتان ظریف و زیبای فاطمه زیر درش گیر کرد. صدای ناله دخترک بلند شد: «بابا، بابا، دستم درد می کنه...» و باز گریه.

حاجی روی تخت مثل سپند روی آتش شده بود: «چیه فاطمه؟ چی شد؟»

«بابا... بابا... دستم... بیا کمک» اما حاجی نمی توانست و فقط همنوا با فاطمه گریه می کرد. دخترک وقتی دید بابا برای کمک نمی آید بیشتر تقلا کرد و بالاخره دستش آزاد شد. هرچه پدرش صدایش کرد جوابی نداد و رفت گوشه اتاق کز کرد تا مادرش رسید. فوری بدو رفت بغل مامان و گریه سر داد.

مادر از فاطمه پرسید: «چی شده؟ چرا چشمات قرمز شده؟» و ناگهان بغض دختر ترکید و باز گریه کرد. ماجرا را برای مادر بازبان کودکانه گفت و بعد گفت: «من بابایی رو دوست ندارم. قهرم باهاش. چرا نیومد کمک کنه؟ همیشه به من میگه دوستت دارم، پس چرا...» و گریه سر داد.

اما آن طرف باباطاهر هم داشت گریه می کرد و می گفت: دخترم، گل بابا، به خدا دوستت دارم.» اما چرا پدر به کمک دخترش نرفت؟ حاج طاهر قصه مایک جانباز است. جانباز ۷۰ درصد قطع نخاع....

محسن علی آبادی بسیجی و جانباز ۷۰ درصد، بجنورد

تفأل

خفته بر سنجاب شاهی نازنینی را چه غم
ای که در زنجیر زلفت جای چندین آشناست

گر ز خار و خاره سازد بستر و بالین غریب
خوش فتاد آن خال مشکین بر رخ رنگین غریب

دی‌روزنامه

پرسش مهر

علیرضا کاردار|طنزپرداز

به سلامتی پاییز هم از راه رسید و کسانی که بی صبرانه منتظر این فصل بودند تا چکمه‌ها و شال گردن‌هایشان را از انباری دربیاورند و با فنجان چای میان برگ‌های زرد غلت بزنند و سلفی بگیرند، در پوست خود نمی گنجند. یک عده دیگر هم که دچار آلرژی فصلی هستند و به شدت درگیر تراوشات چشم و بینی و دهان و گوش‌شان هستند، با آغاز فصل پاییز جور دیگری در پوست خودشان نمی گنجند، چون پوست‌شان خشک شده و هر لحظه امکان ترک خوردنش وجود دارد! یک عده دیگر هم دانش‌آموزان و دانشجویان و پدر و مادرشان هستند که به روش دیگری نمی گنجند، یا از خوشحالی رفتن به محیط جدید و آشنا شدن با افراد جدید و خلاص شدن از فرزندانی که از صبح تا شب کنج خانه گوشی به دست جزئی از دکور اسیون شده بودند، یا از ناراحتی و غصه سحرخیزی و درس خواندن و مشق نوشتن و دور شدن از کانون گرم و آنتن وای‌فای خانواده! به هرحال چه بگنجیم و چه نگنجیم، سال تحصیلی هم در میان برگ ریزان رنگ‌رنگ آغازیدن گرفت... (بیا! این هم تاثیر فصل بر بنده!) یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های دانش‌آموزان و دانشجویان در ابتدای هر سال تحصیلی علاوه بر این که «دفتر چند برگ بخریم» و «چی بپوشیم» و «با چه کسانی همکلاسی خواهیم شد»، این است که به پرسش‌های مهر رئیس جمهور پاسخ بدهند. شاید هم این آخری از دغدغه‌های‌شان نباشد، درست نمی‌دانیم. امسال هم رئیس جمهور محترم همزمان با کوبیدن زنگ سال تحصیلی نو با چکش روبان زده، از دانش‌آموزان سوال کرد: «پارسال چه مهارت‌هایی آموختید و برای امسال در این زمینه چه انتظاراتی دارید؟ و... فکر می کنید چه مهارت‌هایی برای زندگی‌تان مهم‌تر است؟» از آن جایی که ما اگر خودمان را نخود هر آش نکنیم، شب خواب‌مان نمی‌برد، در چند جمله به این پرسش پاسخ می‌دهیم.

ما پارسال این مهارت‌ها را آموختیم: چگونه لباس‌های کهنه خود را تبدیل به پوشک کنیم تا با قحطی آن مبارزه کنیم، چه زمانی سکه و دلار بخریم و کی بفروشیم تا میلیارد در شویم، و با چه ترفندی وارد سایت پیش‌فروش خودرو بشویم و در چند صدم ثانیه برای خرید خودرویی که معلوم نیست چیست و قرار است کی و با چه مبلغی بهمان تحویل بدهند، میلیونی پول واریز کنیم. مهارت‌هایی هم که برای زندگی‌مان مهم است و خیلی مایلیم برای روزهای در پیش رو یاد بگیریم عبارت است از: چگونه با گوجه فرنگی ۷ هزار تومانی و نان ۲ تومانی و بدون تخم‌مرغ املت بپزیم، چگونه بی آب و هوا به حیات‌مان ادامه بدهیم و با چه ترفندی هرگز بازنشسته نشویم! خلاص!

نشر اکاذیب

پدربزرگ گمشده، پیدا شد

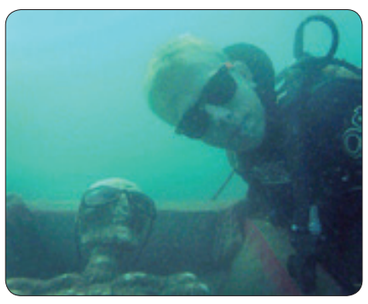

به تازگی «دیمیتری میتری دیتریوف» غواص جوان و کارکشته اهل مدیترانه، با انتشار این سلفی در صفحه اینستاگرام خود، تعجب کاربران اینترنت را برانگیخت. این غواص در توضیح عکسش نوشته است: «به دنبال کاوش هایی که مدت هاست در عمق اقیانوس ها داشته‌ام، دیروز با این صحنه رو به رو شدم. این شخص کسی نیست جز پدربزرگم یعنی میروسلاو کبیر.» این کاوشگر در ادامه توضیح داده است: «سال ها پیش پدربزرگم برای خرید باقالی از خانه خارج شده بود و دیگر به خانه وارد نشده بود. همه فکر می کردیم رفته قاطی باقالی ها. ولی دیروز خیلی شانسی توانستم او را بیابم و از روی عینکی که زده بود بشناسمش. نکته جالب این جاست که گویا پدر بزرگم یک لحظه خوابش برده و سر از اعماق اقیانوس ها درآورده و پس از این که چند بار تکانش دادم بیدار شد.»

میروسلاو کبیر که به دلیل تغذیه نامناسب و نبود اکسیژن کافی در کف اقیانوس کمی وزن کم کرده بود، پس از انتقال به خانه و خوردن سوپ کلم حالش بسیار خوب شده و مشغول وزن اضافه کردن است.

ما و شما

راه‌های ارتباطی با ما: پیامک ۲۰۰۰۹۹۹ و ۰۹۲۱۵۲۰۳۹۱۵ در تلگرام

*آق کمال؛ آیا می دانی نویسنده کتاب کمال نامه شاعر خواجوی کرمانی است؟!

آق کمال: نه نمدنستم، سوال بعدی لطفا!

* دیروز همشهری سلام خیلی خوب بود. دو تا شعر داشتین که هر دوش خیلی قشنگ بودن. ممنون از شما که این قدر به روز هستین. **مریم آراسته**

*باز آمد بوی ماه مدرسه، موفق باشی دخترم هانیه. **مادر**

*امیدوارم کلامم برای شما دل گرمی باشد، نابود کننده دل سردی های شما.

*چرا جای جدول را هر روز عوض می کنی و جای ثابت و دائمی ندارد؟

* دوست عزیزم مسعود مجنون پور، من هادی لقایا هستم. امازمان خدمت می گفتند لقابا. از روزنامه عزیز خراسان سپاس گزارم بابت این که باعث شد ما خبری از هم داشته باشیم.

* ستون ما و شما ویژه تر از بقیه مطالب روزنامه خراسانه. کلا چه ترسانک داشته باشین، چه جدول، چه تبلیغ، چه هرچی... من معتادشم و می خونم. ولی خداییش پیام های عشقولانه همسرهای عاشق که واسه هم می نویسن و شما چاپ می کنین رو که می خونم، حسودیم میشه. **مجنونپور**

*شروع سال تحصیلی مبارک و امن باشد.

* سپاس برای مطالب زیبا و آموزنده «با کاروان کربلا». واقعا ما هم در این روزها با کاروان کربلا همراه بودیم. **حسینی پور**

* ببخشید به شما پیام میدم. دستم از همه جا کوتاهه، به ۲ میلیون وام فوری نیاز دارم، ماهی ۱۰۰ تومن هم از یارانه ام قسطش رو میدم. ضامن کارمند هم دارم. برای هزینه های مدرسه دو بچه ام می خوام.

حدیث روز

حضرت علی(ع): آفت سخن، طولانی کردن آن است.

غررالحکم

ذکر روز دوشنبه
صد مرتبه «یا قاضی الحاجات»

در محضر بزرگان

شرط استجابت دعا

مرحوم آیت ا... بهجت در پاسخ به این پرسش که در چه شرایطی دعا مستجاب است، فرموده‌اند:

«شرط استجابت دعا ترک معصیت است. «اوفوا بعهدی اوف بعهدکم» (به عهد من وفا کنید تا به عهد شما وفا کنم. بقره، ۴۰)، «فاذکرونی اذکرکم» (پس مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم. بقره، ۱۵۲)، «ادعونی استجب لکم» (مرا بخوانید تا دعای شما را مستجاب کنم. غافر، ۶۰). گاهی مصلحت در غیر تعجیل (عجله نکردن در استجابت دعا) است و گاهی مصلحت در تبدیل به احسن (بهتر از آن چه خواسته به او داده شود؛ چه در دنیا چه در آخرت) است. داعی (دعاکننده) خیال می کند مستجاب نشده است [ولی] اهل یقین می‌فهمند.»

مرکز تنظیم و نشر آثار آیت ا... بهجت

حکایت

قورباغه ظاهربین و دوست ابلهش

غوکی (قورباغه‌ای) کنار برکه‌ای نشسته بود. گاوی را دید و مجذوب هیکل گاوش. خویش را کوچک و ناتوان دید. خودش را باد کرد و باد کرد و به دوستش گفت: «خوب است؟» دوستش گفت: «کمی بیشتر.» این کار را این قدر ادامه داد تا ترکید و تار و پود وجودش پاره شد.

نویسنده: ژان دو لافونتن
مترجم: ملیحه صمدی

سخن بزرگان

*هر جدایی یک نوع مرگ است و هر ملاقات یک نوع رستاخیز. **شوپنهاور**

*آیا زندگی آن قدر عزیز و صلح آن قدر شیرین است که به بهای زنجیر و اسارت خریداری شود؟ **پاتریک هانری**

*می اندیشم، پس هستم. هستم، چون فکر می کنم. فکر می کنم، چون شک می کنم. **دکارت**

*اگر آزادی اراده مرد از او سلب شود، همه اعمال او ارزش اخلاقی خود را گم می کند. **روسو**

برگرفته از کتاب «رهنمون»
تالیف غلامحسین ذوالفقاری

قرار مدار

اندکی صبر

تو دریایی

بهجت شکیب نیا

تو را چه غم اگر باران نبارد
تو دریایی هم آغوش تمام ماهیان
و شعر من تماما
در کنار ساحلت دنبال تندرهای باران زاست

ما امانتدار گنجینه آب حیات برای نسل های آینده ایم در مصرف آب صرفه جویی کنیم.

تجدید آگهی مناقصه عمومی (نوبت دوم)

شرکت آب و فاضلاب استان خراسان شمالی در نظر دارد پروژه های مشروحه ذیل را از طریق مناقصه عمومی یک مرحله ای همزمان با ارزیابی (فشرده) که تماماً در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (WWW.SETADIRAN.IR) انجام می گردد را به پیمانکاران واجد شرایط واگذار نماید.

ردیف	مشخصات پروژه	مدت	مبلغ برآورد (ریال)
۱	تکمیل مرمت نوار حفاری آسفالت ناشی از اجرای شبکه فاضلاب مناطق پراکنده سطح شهر بجنورد	۱۲ ماه	۲۵/۱۱۹/۴۷۳/۴۶۵
۲	تکمیل مرمت نوار حفاری آسفالت ناشی از اجرای شبکه فاضلاب گلستان شهر و شهرک فرهنگیان بجنورد	۱۲ ماه	۲۰/۱۰۸/۸۸۲/۴۷۸
۳	تکمیل مرمت نوار حفاری آسفالت ناشی از اجرای شبکه فاضلاب شهر شیروان	۱۲ ماه	۱۹/۴۵۵/۲۸۹/۰۱۹

۱- مهلت زمانی دریافت اسناد مناقصه از سامانه تا: ۹۷/۰۷/۰۳ ساعت ۱۹ **۲- مهلت ارائه پیشنهاد در سامانه:** ۹۷/۰۷/۱۴ ساعت ۱۵:۳۰
۳- زمان بازگشایی پاکات پیشنهادات: ۹۷/۰۷/۲۲ ساعت ۹ صبح در محل شرکت آب و فاضلاب استان خراسان شمالی
۴- هزینه چاپ آگهی مناقصه در دو نوبت به عهده برنده می باشد. **نکته مهم:** سایر توضیحات تکمیلی در اسناد مناقصه اعلام شده است.

روابط عمومی و آموزش همگانی شرکت آب و فاضلاب استان خراسان شمالی

۹۷۱۰۲۶۰۰/و

ما امانتدار گنجینه آب حیات برای نسل های آینده ایم در مصرف آب صرفه جویی کنیم.

تجدید آگهی مناقصه عمومی (نوبت دوم)

شرکت آب و فاضلاب استان خراسان شمالی در نظر دارد پروژه های مشروحه ذیل را از طریق مناقصه عمومی یک مرحله ای همزمان با ارزیابی (فشرده) که تماماً در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (WWW.SETADIRAN.IR) انجام می گردد را به پیمانکاران واجد شرایط واگذار نماید.

ردیف	مشخصات پروژه	مدت	مبلغ برآورد (ریال)
۱	لایروبی قنات (تنگه گزی) آب شرب جاجرم	۳ ماه	۲/۸۹۹/۱۹۶/۸۱۲
۲	حفر و لوله گذاری و پمپاژ یک حلقه چاه آب شرب به روش دروانی ضربه ای شهر شیروان	۶ ماه	۶/۰۴۱/۴۳۹/۴۹۶
۳	حفر و لوله گذاری و پمپاژ یک حلقه چاه آب شرب به روش دروانی ضربه ای در شهر حصار گرمخان (بجنورد)	۶ ماه	۳/۱۱۹/۲۱۴/۳۴۵
۴	حفر و لوله گذاری و پمپاژ ۴ حلقه چاه آب شرب به روش دروانی ضربه ای در شمال شهر بجنورد	۶ ماه	۲۰/۶۴۰/۱۳۰/۴۳۰
۵	حفر و لوله گذاری و پمپاژ یک حلقه چاه آب شرب به روش دروانی ضربه ای شهر بجنورد (چاه ۵ کلاته نقی)	۶ ماه	۵/۵۲۶/۴۷۱/۱۳۲

۱- مهلت زمانی دریافت اسناد مناقصه از سامانه تا: ۹۷/۰۷/۰۳ ساعت ۱۹ **۲- مهلت ارائه پیشنهاد در سامانه:** ۹۷/۰۷/۱۴ ساعت ۱۵:۳۰
۳- زمان بازگشایی پاکات پیشنهادات: ۹۷/۰۷/۱۵ ساعت ۹ صبح در محل شرکت آب و فاضلاب استان خراسان شمالی
۴- هزینه چاپ آگهی مناقصه در دو نوبت به عهده برنده می باشد. **نکته مهم:** سایر توضیحات تکمیلی در اسناد مناقصه اعلام شده است.

روابط عمومی و آموزش همگانی شرکت آب و فاضلاب استان خراسان شمالی

۹۷۱۰۲۵۹۷/و